

آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۵

از صفحه ۱۸۵ تا ۲۰۸

داود دعاگوین^۱، عبدالله هندیانی^۲، امیرحسین یآوری بافقی^۳، صالح عبدی نژاد^۴، سودابه عزیزی^۵

چکیده

فرآیند جرم‌یابی، فرآیند پیچیده‌ای است که با مشارکت و تعامل دو سازمان یعنی پلیس و دستگاه قضایی صورت گرفته است که هرچه قدر میزان تعامل بین این دو نهاد در فرآیند جرم‌یابی بیش تر و بهتر باشد، احتمال کشف سریع تر و دقیق تر انواع جرائم بالاتر می‌رود و بالعکس. در این تحقیق، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مصاحبه و مشاهده مستقیم و بررسی اسنادی، تلاش شده تا عواملی که بر تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی تأثیر منفی دارند، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آسیب‌های تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی به دو صورت کلان و خرد، تحت تأثیر عواملی دو جانبه از طرف پلیس و دستگاه قضایی قرار دارند که در این میان بسیاری از عوامل به نحوه عملکرد نامناسب دستگاه قضایی برمی‌گردد. فقدان تلاش کافی دستگاه قضایی برای تعریف جایگاهی خاص برای جرم‌یابی در برنامه‌های کلان کشوری و قوانین توسعه کشور، توجه کم دستگاه قضایی به ادله علمی در اثبات جرائم و تکیه بیش از حد بر صدور حکم بر مبنای اقرار، فقدان اهتمام جدی در خصوص تشکیل بانک‌های اطلاعاتی ضروری برای جرم‌یابی، آشنایی کم مقامات قضایی دادسرا با علوم جرم‌یابی، صدور دستورات غیرقابل اجرا در برخی موارد و پافشاری بر اجرای آن‌ها، از جمله مشکلاتی هستند که یک تعامل سازنده را به تعاملی شکننده و ضعیف تبدیل می‌کنند. بنابراین، تعامل ضعیف و ناکافی پلیس و دستگاه قضایی، باعث کاهش موفقیت پلیس در کشف سریع و دقیق جرائم شده و به تبع آن، انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی در دستگاه قضایی نیز با مشکلات زیادی از جمله اطاله دادرسی مواجه می‌شود.

کلید واژه‌ها: پلیس، جرم‌یابی، دستگاه قضایی، تعامل، آسیب‌شناسی.

استناد: دعاگوین، داود؛ هندیانی، عبدالله؛ یآوری بافقی، امیرحسین؛ عبدی‌نژاد، صالح و عزیزی، سودابه (تابستان ۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. (۵۰)۱۳.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی امین، da.doagooyan@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی امین، Hendiani1343.s@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی امین، Yadyar@chmail.ir

۴. دانشجوی دکتری جرم‌یابی دانشگاه علوم نظامی امین، نویسنده مسئول: salehlawyer29@gmail.com

۵. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، Azizilawyer29@gmail.com

مقدمه

کشف جرم یکی از مسائل مهمی است که در همهٔ جوامع جهانی به آن اهمیت داده می‌شود؛ چراکه اگر جرمی کشف نشود و مجرم بتواند عمل مجرمانهٔ خود را مخفی نگه دارد، عدالت قضایی از بین رفته و کم‌کم، جرائم پنهان جامعه را فرا می‌گیرد. منظور از کشف جرم، آشکار کردن عملی کیفری و ممنوع است؛ یعنی طوری این جرم آشکار شود که مقامات قضایی و مردم عادی نیز از آن اطلاع داشته باشند. کشف جرم در نظام فعلی از وظایف ضابطان دادگستری و پلیس قضایی است (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۲۹). فرآیند جرم‌یابی در کلیهٔ کشورهای جهان و سیستم‌های قضایی آن‌ها، به طور عموم بر مبنای همکاری، مشارکت و تعامل پلیس با دستگاه قضایی صورت می‌گیرد و به هر میزان که این تعامل بیشتر شود، امکان دستیابی به موفقیت در این حوزهٔ پیچیده آسان‌تر می‌شود، به نحوی که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، برای رسیدن به سطح بالا و حداکثری تعامل پلیس و دستگاه قضایی، واحدی به نام پلیس قضایی تشکیل شده و مشغول به فعالیت است.

از بررسی سابقهٔ قانونگذاری در خصوص کشف جرم ملاحظه می‌شود که از نظر قانونگذار ایرانی، اصل بر این است که کشف جرم حق و تکلیف مقام قضایی است؛ در زمان موجودیت دادرسی با این نهاد و در نبودن آن با دادگستری و دادگاه عمومی بخش است و دادرسی یا مقام قضایی برای کشف جرم می‌تواند از ضابطان عام یا خاص استفاده کند. در واقع، ضابطان دادگستری رأساً حق اقدام در جهت کشف جرم را ندارند، بلکه باید با دستور و تحت تعلیم مقام قضایی اقدام به انجام وظیفه برای کشف جرم کنند؛ مگر در مواردی که ضابطان از وقوع جرمی اطلاع غیرموثق پیدا کنند و وقوع جرم محرز و قطعی نباشد که در این صورت، ضابطان اختیار دارند قبل از گزارش به مقام قضایی و بدون اینکه تحت نظر مستقیم مقام قضایی باشند، اقدام به کشف جرم کنند و پس از احراز اطمینان از وقوع جرم، مراتب را به مقام قضایی اطلاع دهند (آشوری، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

در مقام مقایسه، در حقوق فرانسه نیز ضابطان تکلیفی به کشف جرم ندارند. فعالیت پلیس قضایی در مادهٔ ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور خلاصه شده است که دو فرض را از یکدیگر تمیز می‌دهد؛ فرضی که در آن تحقیقات مقدماتی آغاز شده که در این صورت پلیس قضایی خود را محدود به اجرای نمایندگی‌های دادگاه‌های تحقیقات مقدماتی کرده و تسلیم درخواست‌های آن‌ها می‌شود و فرضی که تحقیقات مقدماتی

هنوز شروع نشده است که در این صورت، پلیس قضایی مکلف است وقوع جرائم را تأیید و دلایل آن‌ها را جمع‌آوری و مرتکبان را پیدا کند (استفانی، لواسور و بولوک، ۱۳۷۷، ص ۲۸۸). بنابراین، دادسرا با ریاست دادستان، وظیفه کشف جرم را بر عهده دارد و ضابطان رأساً حق هیچگونه اقدامی برای کشف جرم ندارند؛ مگر در مواردی که خبری غیر موثق از وقوع جرم تحصیل کرده باشند که در این صورت، برای احراز صحت خبر واصله، لازم است تحقیقاتی صرفاً برای احراز واقع انجام دهند که این بخش را نیز نمی‌توان اختیار برای کشف جرم دانست؛ چراکه جرم واقع شده قبل از اقدام ضابط به نوعی کشف شده است و تا جرم کشف نمی‌شود، خبر وقوع آن به ضابط نمی‌رسید و در کشف جرم لازم نیست که تمامی اطلاعات مربوط به جرم تحصیل شود، بلکه تحصیل اطلاعاتی که حکایت از وقوع جرم کند، کافی است (موسوی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

فرآیند جرم‌یابی در ایران همانند کشورهای دیگر به تناسب رشد علم و فناوری، در حال پیچیده‌تر شدن بوده و در صورتی که در آینده، تعامل بسیار نزدیک و قوی بین پلیس و دستگاه قضایی وجود نداشته باشد، کشف علمی جرائم با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد و با توجه به اهمیتی که فرآیند جرم‌یابی در تأمین نظم و امنیت عمومی دارد، باید آسیب‌های موجود در زمینه ارتقای این تعامل شناسایی و برطرف شوند. لازم به ذکر است که برای تقویت جرم‌یابی و پیشگیری از جرائم، تعاملات دیگری نیز بین پلیس با نهادهای مدنی قابل بررسی است (عبدالرحمانی، ۱۳۹۳، ص ۴۴۱).

ایده تألیف این مقاله از آنجا به ذهن محقق خطور کرد که محقق طی سال‌ها کار در اداره آگاهی و همچنین بازدیدهایی که از ادارات مختلف آگاهی انجام داده و پای صحبت‌های کارآگاهان نشسته، یکی از مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌های عنوان شده توسط متولیان جرم‌یابی در ایران، مشکلات مربوط به قوه قضائیه بوده که در این مقاله، تعامل پلیس و دستگاه قضایی در حوزه‌های مختلف احصاء و سپس با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق کیفی، مشخص می‌شود، چه نوع آسیب‌هایی در بستر این تعامل وجود دارد که تا این حد، مأموران پلیس جرم‌یابی را به واکنش واداشته و آن‌ها را نسبت به دستگاه قضایی بدبین کرده است. لذا از خبرگان و قضات دخیل در فرآیند جرم‌یابی در قوه قضائیه در خصوص این موضوعات نظرخواهی شده و در نهایت، با شناسایی آسیب‌های اصلی، پیشنهادهایی عملی برای رفع آن‌ها ارائه خواهد شد.

سؤال‌هایی که در این تحقیق مطرح شده و سعی شده تا به آن‌ها جواب داده شود عبارتند از:

- در چه حوزه‌هایی در فرآیند جرم‌یابی، تعاملات اساسی بین پلیس و دستگاه قضایی وجود دارد؟

- چالش‌های پلیس در برقراری تعامل با دستگاه قضایی در این حوزه‌ها چیست؟

- چه عوامل سازمانی و فردی در نیروی انتظامی بر این تعامل تأثیرگذار است؟

- چه عوامل سازمانی و فردی در دستگاه قضایی بر این تعامل تأثیرگذار است؟

فرجیها، هندیانی، فخرز و حمید زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت صحنه جرم در تحقیقات جنایی»، پس از بررسی الگوهای فعلی مدیریت صحنه جرم در پلیس ایران، یکی از چالش‌های مدیریت صحنه جرم در ایران را عدم حضور یا حضور غیر مؤثر مقام قضایی در صحنه جرائم و محول کردن مسئولیت‌های صحنه جرم به ضابطان می‌داند و در انتهای مقاله در بخش پیشنهادها عنوان می‌دارد: «حضور به موقع و مؤثر بازپرس ویژه در صحنه‌های جرم برای مدیریت بهینه صحنه‌های جرم در دستور کار مقامات قضایی قرار گیرد». این موضوع از آنجا اهمیت دارد که اگر مقام قضایی در صحنه حضور پیدا نکرده و جزئیات وقوع جرم را از نزدیک مشاهده نکرده باشد، به احتمال بسیار زیاد، دستورهای وی نیز منطبق با فرآیند تکمیل پرونده نخواهد بود. بدیهی است در مقاله حاضر نیز یافته‌های تحقیق، یکی از آسیب‌های تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی را عدم حضور به موقع مقامات قضایی در صحنه‌های جرائم به خصوص جرائمی همانند قتل می‌داند.

قنبری (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر موفقیت کارآگاهان کشف قتل در سال ۱۳۸۵»، تجربه و مهارت بازپرس ویژه قتل را در موفقیت کشف یک پرونده مؤثر دانسته و در بخش دیگری از نتایج تحقیق خود، تأثیر اعطای اختیارات بیشتر به کارآگاهان ویژه قتل بر میزان موفقیت آن‌ها در فرآیند جرم‌یابی را بسیار زیاد و چشمگیر می‌داند. البته این پیشنهاد مطرح شده عملاً نمی‌تواند از نظر قانونی اجرایی شود؛ زیرا در قانون، حدود اختیارات ضابطان دادگستری به صراحت مشخص شده است، در نتیجه این پیشنهاد در چارچوب افزایش تعاملات غیر رسمی پلیس و دستگاه قضایی قابلیت اجرایی دارد.

نوقربانی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «ارزیابی تعقیب کیفری جرم کلاهبرداری در حقوق کیفری ایران از منظر شاخص‌های تعقیب کیفری کارآمد»، فقدان تعامل کامل بین پلیس و دادسرا را یکی از علل اصلی اطاله فرآیند کیفری در پیگیری این جرائم برشمرده و عنوان می‌دارد، در پرونده‌های جرائم اقتصادی به دلیل اینکه پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی به صورت کامل مستقر نشده و تخصص‌های لازم را کسب نکرده و همچنین به خاطر اینکه قضات ترجیح می‌دهند در این پرونده‌ها بر دانش خود تکیه کنند، لذا نقشی که برای پلیس در جرم‌یابی جرائم اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، نسبت به بقیه جرائم بسیار پایین‌تر از حد انتظار بوده و همین امر سبب شده در سال‌های اخیر، جرم‌یابی در حوزه جرائم اقتصادی به یک معضل برای دستگاه قضایی و پلیس تبدیل شود.

خداداد، هندیانی و رستمی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل»، پس از بررسی‌های لازم و شناسایی عوامل فردی و سازمانی نتیجه می‌گیرد که یکی از علل عدم کشف این پرونده‌ها، فقدان تعامل سازنده بین پلیس و دستگاه قضایی است و در پیشنهادهای خود عنوان می‌دارد: «به منظور ایجاد هماهنگی و تعامل و استفاده از نظرات و تجربه‌ها، جلسات ماهیانه مشترک بین مثلث کشف قتل بازپرس، کارآگاه و پزشک قانونی تشکیل تا ضمن تبادل اطلاعات، پرونده‌های قتل کشف نشده مورد بازبینی واقع و موانع کشف در آن‌ها بررسی و اقدامات مقتضی و مناسب در جهت رفع آنها اعمال شود. برای اجرایی شدن این پیشنهاد، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون مبارزه با قتل در استانداری‌ها و فرمانداری‌های کشور زیر نظر دبیر شورای تأمین استان یا شهرستان راه‌اندازی شود».

به دلیل ساختاری که در آیین دادرسی کیفری ایران برای فرآیند جرم‌یابی در نظر گرفته شده و جایگاهی که قانون فوق‌الذکر برای پلیس در مقابل دادستان و مقامات قضایی تعیین کرده، این نکته به ذهن متبادر می‌شود که پلیس به عنوان ضابط عام قوه قضائیه، تحت ریاست مقامات قضایی، باید فرآیند جرم‌یابی را مدیریت کند، در حالی که بنا به نص صریح ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی قرار دارند و مفهوم نظارت با مفهوم ریاست تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارد، اما در عمل بنا به دلایلی که در ادامه مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود؛ از جمله فقدان پلیس قضایی در ایران، فرآیند جرم‌یابی کاملاً تحت

نظارت و حتی می‌توان گفت ریاست مقامات قضایی توسط پلیس صورت می‌گیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که از ابتدای قانونگذاری در ایران، فرآیند جرم‌یابی توسط پلیس و تحت نظارت مقامات قضایی صورت می‌گرفت (احمدپور و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

واقعیت این است که به دلیل ایجاد یک رابطه کاری بین پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی، اصل وجود تعامل توسط قانونگذار تصریح شده و در برخی از موارد، نحوه این تعامل نیز توسط قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری در قالب مفاهیمی همانند مجوز مقام قضایی یا الزام به اجرای دستورات وی تا حدودی معین است، لیکن بسیاری از مقامات قضایی از این تعامل به‌عنوان اختیارات خود در فرآیند دادرسی و تحقیقات مقدماتی یاد کرده و به هیچ‌گونه عنوان نمی‌پذیرند بین آن‌ها و ضابطان دادگستری رابطه تعاملی برقرار باشد، بلکه این رابطه را در چهارچوب سلسله مراتب بیان می‌کنند (فلاح، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

از موضوعات مهم در رابطه با تعامل ضابط و مقام قضایی، میزان اعتبار گزارش و اظهار نظر ضابط در فرآیند کیفری است. گزارش قضایی در راستای انجام مأموریت ضابط دادگستری به مقام قضایی ارائه می‌شود. قانون آیین دادرسی کیفری در مواد مختلف به گزارش قضایی اشاره کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: گزارش اعلام کشف جرم؛ صورت‌مجلس بازجویی مقدماتی از شاکی، گواه و متهم؛ گزارش اقدامات انجام شده برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم؛ گزارش اقدامات انجام شده در زمینه حفظ آثار و دلایل جرم؛ گزارش تحقیقات غیر محسوس انجام شده در موارد مشکوک به وقوع جرم؛ صورت‌مجلس تفتیش و بازرسی اماکن، اشیاء و وسایل؛ صورت‌مجلس معاینه محلی؛ گزارش ماهیانه اقدامات انجام شده در خصوص پرونده‌های تحت اقدام که به نتیجه نرسیده است و گزارش تخصصی، فنی و کارشناسی ضابط در فرآیند کیفری نظیر گزارش افسر راهنمایی و رانندگی در خصوص تصادف وسایل نقلیه موتوری، گزارش آزمایشگاه جنایی پلیس، گزارش افسر متخصص در خصوص نوع اسلحه و گلوله‌ای که باعث قتل یا جرح بزه دیده شده است و گزارش متخصص انگشت‌نگاری و تشخیص هویت (شیرزاد، فقیه فرد و بابایی، ۱۳۹۰، ص ۶۶). بنابراین، ضابط قضایی در فرآیند کیفری، طیف وسیعی از گزارش‌ها را ارائه می‌کند و در صورت درخواست مقام قضایی، به اظهار نظر نیز می‌پردازد. پاره‌ای از گزارش‌های ضابطان در فرآیند کیفری را باید فراتر از اظهار نظرهای معمولی و عادی

محسوب کرد؛ زیرا این اظهارنظرها جنبه تخصصی دارد و می‌تواند به‌عنوان نظر اهل خبره مورد استناد مقام قضایی قرار گیرد. در واقع، یکی از چالش‌های تعامل پلیس و دستگاه قضایی، ارزش و اعتبار گزارش ضابطان دادگستری در محاکم است که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نسبت به قانون سابق، ارزش گزارش ضابطان از اِمارة قضایی به اِمارة قانونی ارتقاء یافته و قاضی مکلف به قبول آن است؛ مگر اینکه با قرائن و دلایل، بتواند خلاف آن را ثابت کند که این گام مهمی در راستای پررنگ‌تر کردن و اعتباربخشی به گزارش ضابطان دادگستری و در نتیجه فراهم کردن زمینه تقویت تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی است (وروایی، ۱۳۹۵، ص ۲۳).

در اکثر کشورهای جهان، کشف جرم از اختیارات مقامات قضایی است. البته باید به این نکته توجه کرد که در اغلب کشورهای دنیا، پلیس قضایی وجود دارد که زیر نظر وزارتخانه‌ای از درون کشور مانند وزارت کشور فعالیت می‌کند. معمولاً افراد پلیس قضایی ادله لازم را برای کشف جرم جمع‌آوری کرده و آن را در اختیار مقامات قضایی دیگر که در کشورشان فعالیت می‌کنند مانند دادگاه‌ها قرار می‌دهند تا ادامه روند پیگیری مجرم و برگزاری محاکمه و از این دست اقدامات، روی جرمی که کشف شده صورت گیرد (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۱). در این کشورها، پلیس قضائی پلیسی است که واجد تجربه‌های فنی و تخصصی علمی جهت کشف جرم و جمع‌آوری آثار و دلایل جرم و تعقیب و تحقیق باشد. می‌توان گفت یکی از عوامل گسترش ناهنجاری‌ها و رفتارهای مجرمانه در جامعه ایرانی، فقدان پلیس قضایی است؛ زیرا بسیاری از اعمال مجرمانه در جامعه به علت ناتوانی‌های علمی و تخصصی کشف نمی‌شود یا در صورت کشف، دلایل و آثار آن به درستی و به صورت علمی جمع‌آوری نمی‌شود. اگر هم دلایل و آثار جرم جمع‌آوری شود، مرتکبان آن‌ها متواری و مخفی شده یا اصولاً هویت آن‌ها شناسایی نمی‌شود و در نتیجه، حقوق ضرردیدگان و قربانیان این جرائم، تضییع می‌شود، ولی با ایجاد پلیس قضایی این نواقص مرتفع می‌شود. در خصوص ضرورت ایجاد چنین تشکیلاتی که به‌عنوان بازوی امین و قوی دادسرا در جهت احقاق حق و ابطال باطل عمل می‌کنند، بارها و بارها از سوی صاحبان قلم تأکید شده است، ولی تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. واقعیت این است که نیروی انتظامی با توجه به گستردگی وظایف و مأموریت‌ها و دوگانگی ریاستی آن (فرماندهان انتظامی و دادستان‌ها)، به‌خوبی از عهده نقشی که بر عهده پلیس قضایی است، بر نیامده‌اند و وضعیت فعلی و گسترش جرائم و عدم تعقیب و دستگیری مجرمان

حرفه‌ای ناشی از فقدان چنین تأسیسی است. بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های سال‌های اخیر نیز به این نکته اشاره می‌کند؛ به نحوی که یکی از محققان پیشنهاد می‌دهد، برطرف کردن ضعف‌های ناشی از عملکرد ضابطان فعلی از طریق تشکیل پلیس قضایی، به طوری که آن پلیس کاملاً وابسته به دستگاه قضایی و در اختیار قوه قضائیه باشد، یکی از راهکارهای اصلاح تشکیلات قضایی است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این مقاله با توجه به اهداف آن که آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی است، متکی بر روش توصیفی بوده و با مراجعه به تجربه‌ها و نظرات طرفین تعامل یعنی پلیس و مقامات قضایی از نظر هر دو طیف، سعی شده است مشکلات و آسیب‌های موجود در زمینه تعامل و مشارکت آن‌ها مشخص شود. همچنین، محققان با مراجعه به تعدادی از پرونده‌های موجود در اداره آگاهی تهران بزرگ که بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین نهاد جرم‌یابی پلیسی در ایران محسوب می‌شود، سعی کردند تا با بررسی اسنادی و مطالعه سیر روند پرونده‌ها و بررسی دستورات صادره از مقامات قضایی، تأثیر آن‌ها در روند پرونده‌ها و کشف جرائم مشخص شود. در این مقاله سعی شد، محققان ابتدا مشاهده‌هایی در صحنه‌های جرائم داشته باشند که به همین خاطر و طی یک فرآیند سخت و دشوار، امکان حضور محققان در ۲۶ صحنه جرم از انواع جرائم مختلف به خصوص قتل عمدی فراهم شده و مشاهده‌های میدانی ثبت و ضبط شد. سپس، از ۱۸ نفر از کسانی که در سازمان پلیس عمدتاً در اداره آگاهی مشغول به خدمت بودند، مصاحبه حضوری و ساختار یافته صورت گرفت. با توجه به ساختار یکسان پلیس و دستگاه قضایی در کلیه استان‌های کشور و وجود وحدت رویه در نحوه تعامل پلیس با دستگاه قضایی، نتایجی که از این تحقیق استخراج می‌شود، می‌تواند برای کلیه استان‌های کشور قابل تعمیم باشد. مصاحبه با مأموران پلیس آگاهی که مدت بیشتر از ده سال در اداره آگاهی مشغول به خدمت بوده و بالای بیست سال سابقه خدمت در نیروی انتظامی دارند و همچنین مصاحبه عمیق با مقامات قضایی دادرها و پزشکی قانونی که در رابطه مستقیم با موضوعات جنایی مشغول به فعالیت هستند و در نهایت، بررسی دستورات و نقش راهنمایی مقامات قضایی در پرونده‌ها، از اقدامات تکمیلی برای رسیدن به نتایج در این مقاله است.

یافته‌های تحقیق

برای اینکه امکان بررسی یافته‌های تحقیق در چهارچوب مشخصی فراهم شود، لازم بود که ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی مشخص شوند که در جدول ۱ به آن اشاره شده است، لیکن این شاخص‌ها براساس نظرهای جمع‌آوری شده از طریق خبرگان پلیسی، طبقه‌بندی شده و مهم‌ترین آن‌ها که در تحقیقات انجام گرفته از نظر جامعه آماری مهم و اساسی بودند، در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱ - ابعاد و شاخص‌های تعامل پلیس و دستگاه قضایی

| مفهوم | بعد | مؤلفه | شاخص | |
|---|--------------|--|---|--|
| قابل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی | برنامه‌ریزی | فقدان پیش‌بینی برنامه‌های کلان ملی برای جرم‌یابی | فقدان برنامه جامع تشکیل یا تکمیل بانک‌های اطلاعاتی جرم‌یابی | |
| | | پلیس | فقدان ارتباط کامل بین بانک‌های اطلاعاتی پلیس و دستگاه قضایی | |
| | هماهنگی | عدم تعیین شفاف جایگاه پلیس برای جرم‌یابی برخی از جرائم | فرار مجرمان به علت عدم هماهنگی بین پلیس و دستگاه قضایی | |
| | | موازی کاری بین تشخیص هویت پلیس و پزشکی قانونی قوه قضائیه | عدم وجود جدیت در پیگیری برخی پرونده‌ها از سوی دادسرا | |
| | دستگاه قضایی | سازمانی | وجود برخی دیدگاه‌های نامناسب دستگاه قضایی نسبت به ضابطان | عدم آشنایی کامل مقامات قضایی با فرآیندهای جرم‌یابی |
| | | فردی | عدم حضور به‌موقع و کامل مقامات قضایی در صحنه‌های جرائم | عدم حضور به‌موقع و کامل مقامات قضایی در صحنه‌های جرائم |
| | | | صدور دستورات قضایی نامتناسب و غیرقابل اجرا | |

براساس یافته‌های تحقیق، عمده‌ترین مشکلات بین پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی که ناشی از نقاط ضعف یا فقدان تعامل بین این دو سازمان در برخی موارد است، براساس وضعیت هر یک از نهادهای مندرج در جدول ۱، به شرح زیر است:

الف) علل و عوامل مرتبط با پلیس

- **فقدان پیش‌بینی برنامه‌های کلان ملی برای جرم‌یابی:** جرم‌یابی مأموریتی نیست که بتوان بدون برنامه‌ریزی کلان به آن دست‌یافت. برای تسهیل جرم‌یابی لازم است، زیرساخت‌های ابتدایی در هر کشوری برای جرم‌یابی فراهم شوند؛ زیرا فرآیند جرم‌یابی نیازمند اقداماتی در سطح کلان و ملی است که این اقدامات باید در بودجه و برنامه‌های توسعه کشور دیده شوند و نمی‌توان انتظار داشت که بدون توجه به این زیرساخت‌ها بتوان در آینده، اقدام به جرم‌یابی کرد. پیش‌بینی تشکیل بانک‌های اطلاعاتی، ایجاد شفافیت در امور مالی و بانکی، تجهیز پلیس به انواع وسایل و امکانات به روز، تعامل با کشورهای پیشرفته در حوزه جرم‌یابی و اعزام افسران پلیس برای دیدن دوره‌های

آموزشی در آن کشورها، همگی اقداماتی اساسی برای پیشرفت جرم‌یابی در ایران محسوب می‌شوند که لازم است قوه قضائیه با همکاری پلیس نسبت به پیگیری آن‌ها اقدام کند و پلیس به تنهایی نمی‌تواند از عهده آن‌ها برآید.

توجه به این نکته ضروری است که هرچقدر جایگاه جرم‌یابی در برنامه‌های کلان کشوری بهبود یابد، تأثیر مستقیمی بر توسعه و رونق اقتصادی جامعه می‌گذارد. کلید پیشرفت اقتصادی، سرمایه‌گذاری هم در بعد داخلی و هم خارجی است. پیمایش‌ها نشان می‌دهد که جرم و فساد، از موانع اصلی سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته است؛ برای مثال، جرم بر صنعت گردشگری (توریسم) مؤثر است؛ زیرا اگرچه توریسم، فعالیتی پر درآمد و درجه یک به حساب می‌آید، اما مشاوران فعال در زمینه سیر و سیاحت، بر خطرهای بزه‌دیدگی جنایی و تأثیر آن بر منابع توریسم کشورها حساسیت بسیاری دارند و در ارزیابی منابع درآمدی حاصل از گردشگری، میزان بزهکاری و بزه‌دیدگی را همواره مدنظر قرار می‌دهند (رایجیان، ۱۳۹۴، ص ۹۴).

در منابع قانونی کلان که قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله بارزترین آن‌هاست، فقدان برنامه کلان برای جرم‌یابی به شدت احساس می‌شود و فقط توجه قانونگذار به پیشگیری از جرم معطوف بوده است. به موجب این قانون، دستگاه قضایی برای مهار پدیده بزهکاری، مأموریتی جرم‌شناسانه یافته تا از این رهگذر، بسترهای بهره‌گیری از رهیافت‌های علمی فراهم شود. این قانون، جهت راهبردی دستگاه قضایی را استفاده از تدابیر جرم‌شناسانه تعیین کرده است تا این نهاد به منظور کاهش میزان بزهکاری و بالا بردن سطح امنیت و کاهش احتمال شکل‌گیری انگیزه‌ها و فرصت‌های جنایی، به ابتکارهای جرم‌شناسانه رو آورد (نیازپور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۸).

- **عدم تشکیل یا تکمیل بانک‌های اطلاعاتی جرم‌یابی:** یکی از مشکلاتی که به شدت کارآگاهان و جرم‌یابان را در ایران آزار می‌دهد، نداشتن بانک‌های اطلاعاتی کامل و ضروری برای کسب اطلاعات دقیق در خصوص افراد است. وقتی که کاربردهای اثرانگشت در جرم‌یابی در قرن نوزدهم توسط سر ویلیام هرشل مطرح شده و توسط هنری کلاسه‌بندی شد، افق‌های روشنی برای جرم‌یابی گشوده شد و انتظار همه این بود که در آینده از این ابزارها می‌توان برای شناسایی افراد و در نتیجه جرم‌یابی استفاده کرد. برای نشان دادن اهمیت این موضوع توجه به این نکته کافی است که در شهری همانند تهران در سال به‌طور تقریبی در حدود ۷۰۰ جسد مجهول‌الهویه کشف می‌شود که براساس

معیارهای پلیسی، ۹۰ درصد اجساد مجهول‌الهویه، به قتل رسیده‌اند و تنها ۱۰ درصد از آن‌ها ممکن است در نتیجه حوادث یا سوءمصرف مواد مخدر فوت کرده باشند. بسیاری از این اجساد مجهول‌الهویه دارای آثار انگشت سالم و همگی دارای DNA هستند، پس یک بانک اطلاعاتی کامل کافی بود تا تعداد قابل توجهی از این اجساد مجهول‌الهویه تشخیص هویت شده و در نتیجه، قاتل یا قاتلان تحت تعقیب قرار گیرند؛ لیکن ناقص بودن هر دو بانک اطلاعاتی مذکور در ایران، یکی از چالش‌های اساسی جرم‌یابی محسوب می‌شود که اگر قوه قضائیه و پلیس نتوانند به موقع آن‌ها را تکمیل کنند، در آینده‌ای نزدیک با مشکلات عظیمی در حوزه جرم‌یابی دست به گریبان خواهند بود. البته برای تشکیل بانک‌های اطلاعاتی، روش‌های مختلفی در کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته که از این میان، سه روش متداول است: ۱- اخذ آزمایش ژنتیکی از کل جمعیت و نگهداری آنالیز پروفایل دی‌ان‌ای تمام مدارک و دلایل به دست آمده از کلیه صحنه‌های جرم؛ ۲- تحلیل دی‌ان‌ای نمونه‌های مربوط به مرتکبان فهرست خاصی از جرائم و نگهداری آنالیز پروفایل دی‌ان‌ای تمام مدارک به دست آمده از صحنه‌های جرم منطبق با فهرست جرائم خاص و ۳- تحلیل اختصاصی موردی و نمونه‌گیری از افراد خاصی که به میزان قابل توجهی با جرم موضوع تحقیق ارتباط دارند و مقایسه با مدارک جمع‌آوری شده مرتبط با همان موارد خاص (وروایی، فرهانی و اعزازی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹).

در حال حاضر در کشور ایران، پلیس به دلیل عدم تشکیل بانک اطلاعات جامع ژنتیکی، عملاً از روش سوم استفاده شده و در سال‌های گذشته، تلاش‌های مقدماتی برای انجام این اقدام مهم به دلیل اینکه در برنامه‌های کلان کشوری همانند برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور دیده نشده، مثمر ثمر واقع نشده و پلیس جنایی در ایران نمی‌تواند از این ابزار مفید بهره کافی ببرد. همچنین، آزمایشگاه‌های دولتی وابسته به پلیس یا دستگاه قضایی معمولاً در برقراری ارتباط با نهادهای تقنینی و رایزنی با آن‌ها جهت تصویب قوانین جدید و اختصاص بودجه موردنیاز، با محدودیت‌هایی روبرو هستند. از طرفی، حاکم شدن سلسله مراتب انتظامی، مانع تعامل سازنده و مثبت برون‌سازمانی از سوی واحدهای

۱. این روش که به دلیل هزینه‌های بالای آن، تنها در برخی از کشورهای جهان اجرایی شده، بهترین روش برای تشکیل بانک‌های ژنتیکی است که باعث می‌شود پلیس در هر صحنه‌ای حتی اگر یک تار مو یا قطره خون پیدا کند، بتواند در یک بانک اطلاعاتی فراگیر به دنبال فرد مورد نظر گشته و امکان موفقیت بسیار افزایش می‌یابد.

جرم‌یابی می‌شود. با وجود آن، این امر مانع تهیه و ارسال گزارش‌ها و مستندهای علمی در مورد خلأهای قانونی به نهادهای ذی‌ربط و تأکید بر ضرورت ارتقای جایگاه شواهد و ادله علمی در میان سایر ادله نیست. انتقال این دغدغه‌ها و چالش‌های عملی به نظام سیاست‌گذاری جنایی، مسیر اصلاح و بازنگری در نظام جرم‌یابی را هموار می‌سازد. هرچند تحقق این هدف منوط به آن است که اطلاعات منتشر شده، دقیق و عاری از ابهام بوده و از روش‌های علمی برای ارزیابی میزان کارآیی نظام جرم‌یابی استفاده شود (فرجیها، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

- **عدم تعامل سازنده و کافی بین بانک‌های اطلاعاتی پلیس و دستگاه قضایی:** موضوع دیگری که به ناقص بودن بانک‌های اطلاعاتی مؤثر در جرم‌یابی دامن می‌زند، عدم تعامل بین بانک‌های اطلاعاتی پلیس و دستگاه قضایی است. بانک‌های اطلاعاتی پلیس و دستگاه قضایی اگر همپوشانی خوبی داشته باشند، می‌توانند نقایص یکدیگر را برطرف کرده و محدوده بیشتری را تحت پوشش قرار دهند؛ زیرا براساس نظریه «ابره‌ای اطلاعاتی»، تا زمانی که بین بانک‌های اطلاعاتی پلیس و دستگاه‌های دیگر از جمله دستگاه قضایی تعامل وجود نداشته باشد، محدوده تحت پوشش این بانک‌های اطلاعاتی به نحوی خواهد بود که در بسیاری از موارد، خلأهای بین این بانک‌ها باعث فرار مجرمان از دست قانون خواهد شد.

- **مشخص نبودن جایگاه پلیس برای جرم‌یابی برخی از جرائم مانند جرائم اقتصادی:** جرائم اقتصادی را می‌توان فعالیت عمدی مجرمانه‌ای دانست که مجرم به واسطه جایگاه خاص و با بهره‌گیری از دانش و اطلاعات خود و نیز وسایل و شیوه‌های ویژه، با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری مرتکب می‌شود که دارای نتایج شدیدی است و منظور از نتایج شدید این است که آثار جرم، دامن مردم یک منطقه، کشور یا کل جهان را می‌گیرد. اموال مورد تعرض در اینجا از چنان اهمیتی برخوردارند که از طریق جرم‌انگاری، مورد حمایت حقوق کیفری قرار گرفته‌اند. در واقع، حقوق کیفری، آخرین حربه و آخرین راهکار است. پس جرم‌انگاری این اعمال و رفتارها به نوعی القاء‌کننده این پیام است که سایر ضمانت‌اجراها، اثربخشی لازم جهت حمایت از این ارزش‌ها را نداشته‌اند، مثل جعل اسکناس، تقلب مالیاتی و گمرکی (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷).

با اینکه در سال‌های اخیر یکی از تهدیدهای بزرگ بر علیه نظام اسلامی، جرائم اقتصادی به‌ویژه در حوزه پولی و بانکی و همچنین قاچاق کالا و ارز بوده، اما نقش پلیس در جرم‌یابی این جرائم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و جایگاه پلیس برای جرم‌یابی در این حوزه پرتنش، هنوز تعریف نشده است.

- **عدم هماهنگی بین پلیس و دستگاه قضایی و فرار مجرمان به خارج از کشور:** بسیاری از مجرمان، بلافاصله پس از ارتکاب جرائم سعی می‌کنند از کشور خارج شوند یا در برخی موارد مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، کالا و ارز و قاچاق میراث فرهنگی، ریشه جرم و بسیاری از مجرمان در خارج از مرزهای ایران قرار دارد، اما یکی از چالش‌های فرآیند جرم‌یابی در ایران با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری، امکان صدور دستور ممنوع‌الخروج شدن افراد و متهمان است که نیازمند بررسی دقیق و سریع پرونده‌ها توسط مقامات قضایی و همکاری آن‌ها با مأموران پلیس و توجه به دغدغه‌های آن‌ها برای جلوگیری از فرار متهمان و مجرمان به خارج از کشور است.

- **موازی‌کاری بین تشخیص هویت پلیس و پزشکی قانونی قوه قضائیه:** با توجه به اینکه ماهیت کار تشخیص هویت پلیس به‌خصوص آزمایشگاه تحقیقات جنایی با ماهیت کار آزمایشگاه‌های تخصصی پزشکی قانونی مشابهت دارد، لذا در برخی موارد، موازی‌کاری در بررسی نمونه‌های جنایی و تشکیل بانک‌های اطلاعاتی بین این دو قسمت به وجود می‌آید؛ به‌خصوص اینکه، قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات جزایی به صراحت مرجع بررسی این نمونه‌ها را مشخص نکرده و در نتیجه، مقام قضایی در ارجاع نمونه‌ها به هریک از دو نهاد مذکور دارای اختیار است. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت فراوان است، این است که اگر پزشکی قانونی در یک حوزه به‌خصوص مانند بیولوژی فعالیت می‌کند، فعالیت مشابه در این حوزه در اداره تشخیص هویت پلیس باعث می‌شود که هر دو حوزه نتوانند به یک سطح قابل قبول از تخصص و مهارت در بررسی‌ها و تجهیزات دست یابند.

ب) علل و عوامل مرتبط با دستگاه قضایی

- **عدم حضور مقامات قضایی در صحنه‌های برخی از جرائم:** قانونگذار در آیین دادرسی کیفری صراحتاً مسئولیت تحقیقات مقدماتی در کلیه جرائم به‌استثنای جرائمی که در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار دارد را به بازپرس واگذار کرده و اصل بر این است که در کلیه جرائم، بازپرس در صحنه جرم حاضر شده و مدیریت بررسی صحنه جرم را بر

عده بگیرد. اما براساس آمار پرونده‌های قتل در فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، در ۷۰ درصد از صحنه‌های جرم قتل، مقام قضایی حضور مستقیم نداشته و دستورات بررسی صحنه جرم را به صورت تلفنی صادر کرده و در عمل، کارآگاهان پلیس آگاهی، مدیریت بررسی صحنه جرم را بر عهده داشته‌اند.

این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که یکی از اصول اساسی جرم‌یابی این است که اگر قاضی یا افسر پرونده، لحظات اولیه صحنه جرم را دیده باشد، یک درک و شمای کلی از صحنه جرم در ذهن وی نقش بسته و همواره بخش ناخودآگاه ذهن وی در حال ارتباط دادن بین ادله و مدارک موجود در صحنه جرم خواهد بود؛ در غیر این صورت، هرچند با مشاهده عکس‌ها و فیلمبرداری و کروکی، ممکن است قاضی پرونده، ذهنیت کافی نسبت به صحنه جرم داشته باشد، اما این ذهنیت به دست آمده از عکس‌ها و کروکی با آنچه که فرد می‌بیند، قابل مقایسه نخواهد بود. از طرف دیگر، عدم حضور مقام قضایی در صحنه جرم، تبعات منفی دیگری را نیز به دنبال خواهد داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، صدور دستورات نامناسب در ارتباط با سیر روند تحقیقات است.

– صدور دستورهای قضایی نامتناسب و غیرقابل اجرا: یکی از مشکلات اساسی دیگر که در پرونده‌های جنایی به وضوح و به کرات مشاهده می‌شود، صدور برخی دستورات از سوی مقام قضایی است که نشان می‌دهد، مقام قضایی صادرکننده این دستور یا به اصول اساسی جرم‌یابی اشراف نداشته یا از امکانات موجود در ادارات پلیس آگاهی ایران آگاهی نداشته یا اینکه به دلیل عدم حضور در صحنه جرم، از جزئیات پرونده اطلاعات کاملی در ذهن خود نداشته است. مهم‌ترین اثر منفی صدور دستورهای قضایی نامناسب در پرونده‌های جنایی، اطاله فرآیند تحقیقات مقدماتی است که با اطاله دادرسی متفاوت بوده و به مراتب، تأثیرهای منفی بیش‌تری نسبت به آن دارد؛ به این صورت که اطاله تحقیقات مقدماتی به مجرم این امکان را می‌دهد که بتواند در فرصتی که دارد، دلایل و مدارک جرم را از بین ببرد یا در پرونده‌های جنایی همانند قتل‌های سریالی، اطاله فرآیند تحقیقات مقدماتی باعث می‌شود، قربانیان جدیدی به قربانیان سابق قاتل، اضافه شود.

– عدم آشنایی کامل مقامات قضایی با فرآیندهای جرم‌یابی: هرچند در قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده، دادستان آموزش‌های لازم را به ضابطان عام دادگستری یعنی مأموران پلیس ارائه کند، اما در عمل بسیاری از مقامات قضایی دادرسی به‌ویژه دادیاران با فرآیندهای جرم‌یابی آشنایی کافی نداشته و همین امر باعث می‌شود، در مدیریت

پرونده‌های جنایی موفقیت‌آمیز عمل نکنند. منظور از فرآیندهای جرم‌یابی، رویه‌هایی است که در جمع‌آوری و بررسی صحنه‌های جرائم و تحقیقات مقدماتی باید مورد توجه قرار گیرد؛ به عنوان مثال، اگر در صحنه جرم، لکه خونی پیدا می‌شود، باید چه اقداماتی و توسط چه نهادی روی آن انجام پذیرد؟ و اگر مدرک به دست آمده خاک باشد، اقدامات و نهاد مجری آن چه تفاوتی با سایر مدارک خواهد داشت؟ به عنوان مصداق، می‌توان گفت که:

- در پرونده‌های سرقت گوشی تلفن همراه، صرفاً با استعلام از شرکت‌های مخابراتی که نشان می‌دهد که گوشی مسروقه در یک تاریخ مشخص مورد استفاده سیم‌کارت مشخصی قرار گرفته است، توسط دادسرا مبادرت به صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست می‌شود، در حالی که غالباً سیم‌کارت‌های موصوف از سوی مالکان آن‌ها دست به دست فروخته شده است و چنین اقدامی از سوی مراجع تحقیق، جز اطاله وقت شکات این نوع پرونده‌ها و در نهایت، صدور حکم برائت متهم، فرضی ندارد و شکات این نوع پرونده‌ها به علت عدم اتخاذ شیوه درست تحقیقاتی از سوی مراجع تحقیقی، به حقوق خود نائل نمی‌شوند و در این خصوص لازم است پس از اینکه مشخص شد که گوشی مسروقه نصب بر سیم‌کارت مشخصی شد، پرینت تلفنی سیم‌کارت مذکور اخذ و با شیوه‌های خاص پلیسی از جمله از طریق مخاطبان آن سیم‌کارت، استفاده‌کننده واقعی از گوشی مسروقه شناسایی و پس از شناسایی استفاده‌کننده و کشف گوشی مسروقه، می‌توان به راحتی به سارق نیز دسترسی پیدا کرد و با این شیوه درست، هم مالخر و هم سارق دستگیر می‌شوند و قربانیان این نوع جرائم نیز به حقوق خود دست می‌یابند.

- در پرونده‌های با موضوع جعل، بدون مشخص کردن مورد جعل که ممکن است جعل تمام سند یا بخشی از سند یا امضاء یا اثرانگشت ذیل سند باشد و گاهاً بدون کارشناسی، اظهار نظر قضایی می‌شود.

- در پرونده‌های با موضوع توهین و فحاشی، غالباً الفاظ رکیک مشخص نیستند و در این خصوص، از شاکی و شهود تحقیق به عمل نمی‌آید که الفاظ استعمال شده رکیک کدامند تا دادگاه با توجه به عرف مشخص کند. بیان آن الفاظ مشمول مواد قانونی هستند یا خیر.

- در پرونده‌هایی که دلیل صدور قرار مجرمیت، بینة شرعی است، گاهاً مشاهده شده، به اظهارات کلی شهود در مرجع انتظامی اکتفا شده است و در مواردی که اظهارات آن‌ها در

شعب دادسرا اخذ شده است، بدون حضور طرفین پرونده بوده، و حق جرح و تعدیل شهود از متهم سلب شده است.

به طور کلی، می‌توان گفت که در بروز اشتباهات قضایی در پرونده‌های کیفری، نقش مقامات تعقیب‌کننده اعم از بازپرس یا دادسرا غیرقابل انکار است؛ هرچند این امر بدیهی است و در قانون برای اشتباهات سهوی مقامات قضایی امکان جبران خسارت از بیت‌المال پیش‌بینی شده است؛ اما اشتباهات قضایی که آشکار نمی‌شوند، به‌طور جدی عدالت کیفری را با چالش مواجه می‌سازند (نجفی توانا و نظری، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

- **عدم وجود جدیت در پیگیری برخی از پرونده‌ها از سوی دادسرا:** اولین وظیفه دادسرا، «کشف جرم» است. کشف جرم صرفاً با شکایت شاکی یا گزارش، حاصل نمی‌شود. قانونگذار با وضع بند الف ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، بار کشف جرم را بر عهده دادسرا گذاشته است و این تکلیف قانونی در قسمت‌های مختلف اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است. آنجا که قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و احیاکننده حقوق عامه و کاشف جرائم اعلام کرده است و این تکلیف قانونی بیانگر این مطلب است که دادسرا چه در جرائم قابل گذشت و چه در جرائم غیرقابل گذشت و به منظور تحقق بخشیدن به عدالت و گسترش عدل در جامعه، باید به این وظیفه عمل کند، اما بعضاً مشاهده می‌شود برخی شعب بازپرسی و دادیاری به این مهم توجه لازم مبذول نمی‌کنند و منتظر شاکی هستند تا دلایلی ارائه کند و اگر دلیلی ارائه نداد، چه در جرائم قابل گذشت یا غیرقابل گذشت، تحقیقات را متوقف و مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می‌کنند. در حالی که شکایت یا گزارش، شروع تحقیقات و سرخ کشف یک جرم است که شعب دادسرا با داشتن این سرخ و با قدرت قانونی که دارند، باید تحقیقات مقدماتی برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب و دستگیری متهم و تحقیق از وی و اخذ سوابق کیفری وی در جرائم غیرقابل گذشت و در صورت لزوم استعلامات لازم و ارجاع امر به کارشناسی، معاینه محل، تحقیقات محلی، تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم را انجام دهند تا دقیقاً دلایل له و علیه متهم مشخص شود تا هم شعب دادسرا به درستی بتوانند اظهار نظر قضایی کنند و هم قضات محاکم بتوانند رأی شایسته و متناسب با شخصیت بزهکار صادر کنند.

- **وجود برخی دیدگاه‌های نامناسب مقامات قضایی نسبت به ضابطان:** یکی از مواردی

که همیشه تعامل پلیس و دستگاه قضایی را تحت تأثیر منفی خود قرار داده، دیدگاه‌های مقامات قضایی نسبت به ضابطان دادگستری است که با استناد به اینکه قانونگذار، ضابطان قضایی را تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی می‌داند، بسیاری از مقامات قضایی از این وضعیت استنباط نادرست ریاست بر ضابطان را دارند. این موضوع مشکلات بسیاری در تعامل پلیس و دستگاه قضایی به وجود آورده تا جایی که قوه قضائیه در یکی از بخشنامه‌های خود (شماره ۱۸۸۲۶/۱۸۰/۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۴) مقرر می‌دارد: «یافته‌های سازمان بازرسی کل کشور، از بازرسی تعدادی واحدهای قضایی و انتظامی و بررسی چگونگی کشف و تعقیب جرائم، ارسال شکایت‌نامه‌ها به مراجع انتظامی جهت تشکیل پرونده مقدماتی و نیز برگرداندن پرونده‌های ناقص به منظور تکمیل اقدامات و تحقیقات موردنظر مقامات قضایی و نحوه برخورد برخی قضات با عوامل حامل پرونده‌های ارسالی به واحدهای قضایی، نشان می‌دهد بعضی از قضات جوان از مفاهیم ضابط بودن، تعبیر درستی ندارند و افسران تشکیل‌دهنده پرونده مقدماتی را در تابعیت محض و مطلق خود دانسته و بعضاً با برخورد‌های نامناسب، امر و نهی می‌کنند که در شأن افسران نیست و این امر موجب تضعیف روحیه آن‌ها شده است».

از آنجا که به موجب ماده ۱۷ قانون مذکور، ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند، با رئیس حوزه قضایی است، لذا نظارت و آموزش مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیم‌های قضایی و تکلیف ضابطان دادگستری بر اجرای دستورهای قضایی، تنها براساس قانون و در حدود وظایف ضابطی آن‌ها قابل‌اعمال است و خارج از آن، نباید از ضابطان که بنا بر مقررات شغلی و استخدامی وظایف و مأموریت‌های سازمانی دیگری به عهده دارند و از حیث آن‌ها، قضات در سلسله مراتب سازمانی آن‌ها قرار ندارند، انتظاری داشت. برخورد مناسب با افسران و مأموران حامل پرونده‌ها، به منظور بهبود وضع و ایجاد هماهنگی بهتر، معطل نکردن بی‌مورد آن‌ها در پشت درها، مراعات شئون و اقتدار ضابطان در حضور شکات، متهمان و مظنونان، مورد تأکید است.

تأثیر افزایش تعامل پلیس و دستگاه قضایی بر فرآیند جرم‌یابی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند، به دلیل فقدان پلیس قضایی در کشور ایران، اهمیت تعامل پلیس و دستگاه قضایی در ایران به مراتب از سایر کشورهای دارای پلیس قضایی

بیشتر است و اگر این تعامل تقویت شده و ارتقاء یابد، نتایج زیر در فرآیند جرم‌یابی به وجود خواهد آمد:

- مدیریت زمان: جرم‌یابی علمی است که به دنبال کشف جرائم و واقعیت‌های مربوط به آن‌ها در کم‌ترین زمان است؛ یعنی این علم زمانی می‌تواند به اهداف خود برسد که جرم را کشف کند، اما در بازه زمانی متناسب و نزدیک به تاریخ وقوع جرم. طبعاً هرچقدر از زمان وقوع جرم بگذرد، امکان دست‌یابی به اطلاعات صحیح کاهش پیدا کرده و آثار و ادله جرم در گذر زمان دستخوش تغییرات زیادی می‌شوند، لذا ادله دست اول برای ارائه به دادگاه وجود نخواهد داشت. همچنین، تعامل پلیس با دستگاه قضایی باعث سرعت در کشف و افزایش میزان کشف خواهد بود. ایجاد تعامل مناسب با مقامات قضایی برای پی‌جویی جرائم باعث می‌شود، جرم در زمان کمتری کشف شده و آمار کشفیات افزایش یابد (کاملی و امیدی کاردان، ۱۳۸۹، ص ۶). دستوره‌های مقام قضایی اگر به موقع و براساس مدیریت زمان در جرم‌یابی صادر شوند، به دلیل تعیین مهلت برای اجرای دستور و الزام مأموران به رعایت آن، مأموران جرم‌یابی را وادار خواهد کرد تا تلاش‌ها و اقدامات خود برای کشف جرم را سرعت ببخشند و در نتیجه، پرونده در یک فرآیند مستمر جرم‌یابی قرار بگیرد و کشف شود.

- پیشگیری از وقوع جرائم سریالی: بسیاری از جرائم خشن معمولاً توسط تبهکارانی صورت می‌گیرد که به ارتکاب جرم عادت دارند و به ارتکاب یک یا دو جرم بسنده نمی‌کنند. این تبهکاران با توجه به اینکه حرفه‌ای عمل کرده و مهارت‌های زیادی در از بین بردن دلایل و مدارک جرم دارند، در سایه عدم کشف جرائم خود همچنان به ارتکاب جرائم جدید مبادرت می‌کنند و قربانیان بیش‌تری درگیر جرائم این افراد می‌شوند. در حالی که کشف سریع اولین جرائم این افراد به پلیس این امکان را می‌دهد تا از ارتکاب جرائم بعدی آن‌ها پیشگیری کند؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۴ در یکی از شهرهای اصفهان، عده‌ای از زنان مورد اسیدپاشی افراد نامعلوم قرار گرفتند، اما به دلیل اقدام برنامه‌ریزی شده اسیدپاشان، امکان دستگیری آن‌ها میسر نشد و در روزها و هفته‌های بعد، در حدود شش مورد اسیدپاشی دیگر با همان مشخصات اسیدپاشی اول اتفاق افتاد که شواهد و قرائن نشان می‌داد توسط همان گروه اول اتفاق افتاده، ولی به دلیل شناسایی نشدن مجرمان در اقدام‌های اول و حتی دوم و سوم، تعداد اسیدپاشی‌ها به هفت مورد رسید و تبدیل به یک جنایت سریالی شد که بازتاب آن، آسیب دیدن امنیت عمومی و

زیر سؤال رفتن تلاش‌های مأموران پلیس بود.

- ارتقای احساس امنیت عمومی: زمانی که یک قتل یا تجاوز به عنف در یک شهر یا روستایی رخ می‌دهد، عدم شناسایی قاتل یا متجاوز در اسرع وقت باعث می‌شود، مردم احساس امنیت خود را از دست داده و همیشه با این احتمال در جامعه حاضر شوند که هر لحظه امکان دارد توسط مرتکب یا مرتکبان جرائم کشف نشده، بزه‌دیده واقع شوند، لذا برای تزریق دوباره احساس امنیت به جامعه ضرورت دارد، مجرمان در اسرع وقت شناسایی و دستگیر شوند؛ به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۷ که قتل‌های سریالی زنان در تهران توسط غلامرضا خوش‌رو ملقب به خفاش شب کشف شد، شوک امنیتی شدید در جامعه پدیدار شد تا جایی که یکی از رانندگان تاکسی به دلیل بسته بودن خیابان اصلی از خیابان فرعی تردد کرده و به شوخی در جواب خانمی که از وی سؤال کرده بود چرا از این مسیر تردد می‌کنید؟ گفته بود که من خفاش شب هستم! با شکستن شیشه شیر بر سرش به شدت آسیب دید.

اما برای اینکه پلیس عکس‌العمل سریع در مقابل جرائم داشته باشد، لازم است مقامات قضایی نیز با به‌پای پلیس در کلیه مراحل کشف جرم حاضر باشند تا اگر به‌عنوان مثال نیاز به شنود مخابرات باشد، این اقدام در اسرع وقت صورت پذیرفته و مأموران پلیس درگیر مجوز گرفتن طی یک فرآیند طولانی نشوند.

- صرفه‌جویی در تجهیزات سازمانی: وقتی که فرآیند بررسی پرونده‌ای مسیر اشتباه را طی می‌کند، یکی از نتایج آن اتلاف انرژی سازمانی و وقت کارآگاهان است. تغییر مسیر تحقیقات در میانه راه به این معنی است که همه توانی که برای شنود مخابرات، تحقیقات محلی و تعقیب و مراقبت به صورت مستمر و شاید ماه‌ها صورت پذیرفته، در راستای هدف نبوده و همه این فرآیندها مجدداً باید از ابتدا شروع شوند. همچنین، موازی کاری‌هایی که در حوزه آزمایشگاه‌های تحقیقات جنایی بین پزشکی قانونی و تشخیص هویت صورت می‌پذیرد، در عمل باعث می‌شود که هزینه‌های مضاعفی نیز هم بر پلیس و هم بر دستگاه قضایی تحمیل شود؛ در حالی که با از بین بردن این موازی کاری‌ها می‌توان تا حدود زیادی در این هزینه‌ها صرفه‌جویی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

تا به حال کلیه مطالعاتی که در زمینه موضوع مورد بحث انجام پذیرفته و منحصرأ توسط کارکنان و اساتید پلیس بوده، سعی کرده‌اند تا با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین جزایی به مطالعه این موضوع بپردازند. در برخی موارد نیز مطالعات بیش‌تر در خصوص تعامل پلیس و دستگاه قضایی در یک جرم خاص همانند قتل صورت گرفته که نتیجه آن، روایی و پایایی کاملی نداشته و قابل‌تعمیم به همه جرائم نیست. در حالی که در این تحقیق، محققان سعی کرده‌اند با خروج از فضای صرف دانشگاهی و بحث‌های نظری، تعامل پلیس و دستگاه قضایی را در صحنه عمل و بر مبنای واقعیت‌های روز پلیس و دستگاه قضایی بسنجند و با توجه به گستردگی حوزه مورد مطالعه و استفاده از روش تحقیق کمی و کیفی به صورت توأمان، روایی و پایایی تحقیق را افزایش دهند.

نتایج این تحقیق یک نوع خلأ و ضعف در تعامل پلیس با دستگاه قضایی را نشان داد که شاخص‌های آن عدم حضور مقامات قضایی در صحنه جرم یا صدور دستورهای غیرمتناسب با وضعیت پرونده با تحقیق مشابهی که در خصوص عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف قتل (خداداد و همکاران، ۱۳۸۷) صورت گرفته بود، کاملاً همخوانی داشت؛ به نحوی که در تحقیق اخیر نیز یکی از علل عدم موفقیت در کشف پرونده‌های قتل، فقدان تعامل کافی بین پلیس و دستگاه قضایی و ضعف و کمبود بازپرسان ویژه قتل عنوان شده است.

با همکاری و تعامل بین محققان و پلیس آگاهی تهران با محققان، امکان دسترسی به انواع پرونده‌های جنایی به‌خصوص پرونده‌هایی که در اصطلاح «راکد یا بدون نتیجه» بودند فراهم شده و با حضور در انواع صحنه‌های جرم به‌خصوص صحنه‌های جرم قتل در سطح شهر تهران، امکان مشاهده و ثبت رویه اجرایی نیز به وجود آمده است، اما در خصوص مقامات قضایی و مصاحبه با آنها، همکاری و استقبال چندان خوبی از این تحقیق صورت نگرفته و بسیاری از مقامات قضایی حاضر در صحنه یا مورد سؤال و مصاحبه، از دادن پاسخ به سؤال‌های محققان یا دعوت آنها برای مصاحبه امتناع می‌کردند.

براساس آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی و با توجه به اینکه در مسیر انجام تحقیق، پیشنهادهای بسیار جالب و کاربردی توسط خبرگان پلیسی و کارآگاهان کهنه‌کار ارائه شد، به نظر می‌رسد ضرورت تهیه یک برنامه راهبردی برای

ارتقای سطح تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی در آینده اجتناب‌ناپذیر بوده و لازم است هم از نظر تقنینی و هم از نظر سازمانی، اقدامات مؤثری برای تقویت این تعامل انجام پذیرد. لذا با توجه به یافته‌های تحقیق، اقدامات زیر در حوزه ارتقای تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی و رفع نقایص موجود، پیشنهاد می‌شود.

- برگزاری دوره‌های آموزشی جرم‌یابی برای مقامات قضایی و آشنا کردن آن‌ها با امکانات و توانمندی‌های پلیس برای جرم‌یابی و اقدامات الزامی که باید توسط پلیس در تحقیقات مقدماتی صورت پذیرد؛

- الزام مقامات قضایی به حضور فعال در صحنه‌های جرم و مدیریت واحدهای جرم‌یابی حاضر در صحنه‌های جرم به‌خصوص جرائم خشن، با توجه به اختیارات گسترده‌ای که مقام قضایی در صحنه‌های جرائم دارد؛

- تسریع در تصویب لایحه تشکیل پلیس قضایی که سال‌هاست بلا تکلیف مانده؛ در صورتی که همه مسئولان قضایی و بسیاری از خبرگان پلیسی، احیای آن را گام مهمی در راستای افزایش تعامل پلیس و دستگاه قضایی می‌دانند؛

- همکاری پلیس و دستگاه قضایی در تشکیل بانک‌های اطلاعاتی به خصوص تکمیل بانک اثرانگشت و در مرحله بعدی تشکیل و راه‌اندازی بانک DNA؛

- ایجاد پیوستگی در بانک‌های اطلاعاتی موجود در داخل سازمان پلیس و همچنین بین پلیس و دستگاه قضایی، به نحوی که تا تکمیل شدن بانک‌های اصلی، بانک‌های متعدد فرعی با هم پیوسته شده و حجم بزرگی از اطلاعات را پوشش دهند؛

- از بین بردن موازی‌کاری بین پزشکی قانونی و آزمایشگاه تحقیقات جنایی تشخیص هویت به نحوی که هر کدام از این سازمان‌ها، در یک حوزه سعی کنند تخصصی شده و به ابزارهای روز دنیا در آن تخصص تجهیز شوند.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۰). فقدان قواعد مشخص برای کشف جرم. گفتگو با روزنامه حمایت. بازیابی از: <http://yon.ir/IYMHd>
- ابراهیمی، شهرام و صادق نژاد نایینی، مجید (زمستان ۱۳۹۲). تحلیل جرم شناختی جرائم اقتصادی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۲(۵)، صص ۱۴۷ - ۱۷۴. بازیابی از:

http://journals.atu.ac.ir/article_577.html

- احمد پور، ابراهیم و اسماعیل زاده، محمد (۱۳۹۴). مشکلات ناشی از ساختار تشکیلات قضایی. *ماهنامه کانون*. شماره ۱۴۹ و ۱۵۰، صص ۱۱۲-۱۳۲. بازیابی از:

<http://yon.ir/RhbbY>

- خداداد حسینی، سید حمید؛ هندیانی، عبدالله و رستمی مرادی، محمدصادق (زمستان ۱۳۸۷). عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل. *فصلنامه مطالعات*

مدیریت انتظامی. ۳(۴)، صص ۴۵۲-۴۷۳. بازیابی از: <http://yon.ir/gketl>

- رایجیان اصلی، مهرداد (پاییز ۱۳۹۴). تقابل جرم و توسعه. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*. ۷(۳)، صص ۸۳-۱۰۷. بازیابی از:

http://jls.shirazu.ac.ir/article_3499.html

- شیرزاد، جلال؛ فقیه فرد، پیمان و بابایی، جمشید (پاییز ۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر سرقت‌های مسلحانه کشف نشده در کرمان. *فصلنامه دانش انتظامی*. ۱۳(۲)، صص

۶۵-۱۰۰. بازیابی از: <http://yon.ir/K9Cr4>

- عبدالرحمانی، رضا (پاییز ۱۳۹۳). بررسی تأثیر تعامل برون‌سازمانی روسای کلانتری در پیشگیری از جرائم در شهر کرمانشاه. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*. ۹(۳)،

صص ۴۱۴-۴۴۱. بازیابی از: <https://elmnet.ir/article/1135273-28162>

- فلاح، عبدالعظیم (بهار ۱۳۹۱). میزان اعتبار گزارش ضابطان در تصمیمات قضایی.

فصلنامه تعالی حقوق. ۱(۱)، صص ۴۷-۶۵. بازیابی از: <http://yon.ir/76xkA>

- فرجیها، محمد (تابستان ۱۳۹۰). مدیریت امور جرم‌یابی. *فصلنامه کارآگاه*. ۴(۱۵)،

صص ۶-۲۲. بازیابی از: <http://yon.ir/iVDAA>

- فرجیها، محمد؛ هندیانی، عبدالله؛ فخرز، رحیم و حمید زاده اربابی، نجف (تابستان ۱۳۹۵). مدیریت صحنه جرم در تحقیقات جنایی. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و*

جنایی. ۱۱(۲)، صص ۳۷-۵۸. بازیابی از: <http://yon.ir/i3erP>

- قنبری، محمد (۱۳۸۵). *عوامل مؤثر بر موفقیت کارآگاهان کشف قتل در سال ۱۳۸۵*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کشف جرائم. دانشگاه علوم انتظامی امین.

- کاملی، محمدجواد و امیدی کاردان، رضا (تابستان ۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر توانمندسازی پلیس آگاهی در کشف خودروهای مسروقه. *فصلنامه کارآگاه*. ۲(۱۱)، صص ۷۶-۸۱.

بازیابی از: <http://yon.ir/oK1mC>

- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری (حسن*

- دادبان، مترجم). جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
- موسوی مقدم، محمد (۱۳۹۱). *حقوق ضابطین دادگستری*. تهران: انتشارات حقوق امروز. چاپ اول.
- نجفی توانا، علی و نظری، محمد (اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳). تحلیل آماری اشتباهات قضایی در افزایش جرم. *ماهنامه کانون*. ۲۵ (۱۴۰ و ۱۴۱)، صص ۴۴-۵۱. بازیابی از: <http://yon.ir/25sgY>
- نیازپور، امیرحسین (زمستان ۱۳۹۱). تکالیف جرم شناسان دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه. *مجله حقوقی دادگستری*. ۷۸ (۸۰)، صص ۱۹۳-۲۲۲. بازیابی از: <http://yon.ir/3MaQ9>
- نوقربانی، احمد (۱۳۹۰). *ارزیابی تعقیب کیفری جرم کلاهبرداری از نظر شاخص‌های تعقیب کارآمد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق. دانشگاه تربیت مدرس.
- وروایی، اکبر (۱۳۹۵). *تقریرات درس جنبه‌های حقوقی جرم‌یابی*؛ دوره دکتری جرم‌یابی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- وروایی، اکبر؛ فرهانی، احمد و اعزازی، لیلا (پاییز ۱۳۸۸). ملاحظات حقوقی تأسیس بانک‌های اطلاعاتی ژنتیکی جنایی در پرتو الزامات حقوق شهروندی. *فصلنامه دانش انتظامی*. ۱۱ (۳)، صص ۲۰۸-۲۳۷. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=128917>

